

در نخستین نشست عصر سینما با حضور بابک خواجه‌پاشا در مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی مطرح شد

سینمای ایران باید آرزوی سینمایی خود را پیدا کند

و میان آدم‌هایی با سبک‌های مختلف زندگی دیوار نکشد. سینما اگر به جدایی بیشتر مردم از یکدیگر کمک کند، از یکی از مهم‌ترین کارکردهای انسانی خودفاصله گرفته‌است. این کارگردان تأکید کرد: راه مواجهه با این وضعیت نیز تولید فیلم‌های شعاری نیست. اگر فیلمسازی از یک‌بار یا جریان فکری دفاع می‌کند، نخست باید بتواند فیلم خوب بسازد؛ فیلمی که درام، شخصیت، میزانشن، زیبایی و تولید حرفه‌ای داشته باشد و بتواند با مخاطب ارتباط برقرار کند.

■ **بدون صداقت، صاحب سینما نمی‌شویم**

خواجه‌پاشا در بخش دیگری از نشست، صداقت را یکی از مهم‌ترین پایه‌های شکل‌گیری زبان سینمای فیلمساز دانست و گفت: تا زمانی که فیلمساز نسبت به چیزی که روایت می‌کند صادق نباشد، صاحب سینما و زبان ویژه خودش نمی‌شود.

وی در توضیح چگونگی شکل‌گیری «در آغوش درخت» از مواجهه با کودکی یاد کرد که والدینش در آستانه جدایی بودند و از او خواسته بود کاری کند تا از برادرش جدا نشود و افزود: آن جمله برای من به یک مسئولیت تبدیل شد و احساس کردم باید فیلمی برای این کودک و درباره این مسئله بسازم. کارگردان «سرزمین فرشته‌ها» دغدغه نسبت به کودکان آسیب‌دیده از جنگ را یکی از ریشه‌های شکل‌گیری این اثر عنوان کرد و گفت: پیش از ساخت فیلم، خود مسئله و رنج انسان‌ها برام اهمیت داشته‌است.

خواجه‌پاشا با اشاره به برخی شیوه‌های آموزش بازیگری و اهمیت صداقت در ارتباط بازیگر با موقعیت و پراتر خود افزود: همین اصل را می‌توان در نویسندگی و فیلم‌سازی نیز دنبال کرد؛ بسیاری از آثار ماندگار سینمای ایران از دل همین صداقت با موضوع و آدم‌های قصه شکل گرفته‌اند.

■ **سینمای متعهد باید از کیفیت هنری دفاع کند**

وی در پاسخ به بخش دیگری از مباحث نشست تأکید کرد: پاسخ فیلمسازانی که دغدغه‌هویت، خانواده‌یامسائل انسانی دارند، اعتراض صرف به آثار دیگران نیست؛ مهم این است که خودشان بتوانند آثار باکیفیت و اثرگذار تولید کنند. خواجه‌پاشا افزود: اگر قرار است درباره مفاهیم دینی، اخلاقی یا اجتماعی فیلم بسازیم، نمی‌توانیم زیبایی، میزانشن، درام و تولید حرفه‌ای را کنار بگذاریم. مضمون خوب، ضعف هنری را جبران نمی‌کند.

این فیلمساز در پایان با اشاره به ظرفیت‌هایی مانند تعزیه، بر ضرورت بازخوانی و به‌روزرسانی میراث نمایشی ایران برای نسل امروز تأکید کرد و گفت: تعزیه و دیگر ظرفیت‌های هنر ایرانی، امکان‌های فراوانی برای روایت دارند، اما برای ادامه حیات باید متناسب با زبان و نیاز مخاطب امروز بازشناسی و بازآفرینی شوند.



دانست و گفت: از اواسط دهه ۸۰ به‌تدریج دریافت جایزه از برخی جشنواره‌های خارجی به معیاری مهم برای تشخیص فیلم خوب و بد تبدیل شد و این نگاه بر مسیر فیلمسازان به‌ویژه نسل جوان تأثیر گذاشت.

وی با اشاره به آثاری همچون «دوندۀ»، «بچه‌های آسمان» و «خانه دوست کجاست؟» افزود: سینمای ایران زمانی در جهان مورد توجه قرار گرفت که با زبان و هویت خودش حرف می‌زد، اما برای به‌روز کردن و ادامه دادن آن مسیر به‌اندازه کافی تلاش نکردیم. خواجه‌پاشا گفت: هالیوود برای خودش تصویری از آرزوی آمریکایی ساخته و سینمای هند نیز تصویر آرزوی خودش را دارد. پرسش اساسی این است که آرزوی سینمای ایران چیست و قرار است به چه نقطه‌ای برسد؟ تا وقتی درباره این موضوع به جمع‌بندی نرسیم، مسیر سینمای ما نیز روشن نخواهد شد.

وی ادامه داد: سینما یکی از ابزارهای مهم انتقال فرهنگ است. اینکه ما در فیلم‌هایمان چه تصویری از خانواده، پدر، مادر، شهرها و جامعه ایرانی به مخاطب داخلی و خارجی ارائه می‌کنیم، اهمیت دارد. قرار نیست مشکلات اقتصادی، بیکاری، اختلاف طبقاتی یا بحران‌های اجتماعی را نمایشیم؛ اما باید در روایت جامعه خود منصف باشیم.

■ **بازنمایی بحران نباید به حذف واقعیت جامعه منجر شود**

خواجه‌پاشا با انتقاد از انباشت بحران در برخی روایت‌های سینمایی گفت: اگر در یک خانواده همه شخصیت‌ها گرفتار شدیدترین آسیب‌ها باشند، تصویری ساخته می‌شود که لزوماً با واقعیت جامعه تناسب ندارد. در همین جامعه، در کنار افراد گرفتار آسیب، انسان‌های سالم و خانواده‌های موفق نیز زندگی می‌کنند و فیلمساز نباید بخشی از واقعیت را به‌طور کامل حذف کند.

وی افزود: سینمایی ما باید بتواند همه‌طیف‌های جامعه را ببیند

خود از داستان‌نویسی و تئاتر تا فیلم کوتاه و سینمای حرفه‌ای، از تجربه همکاری و دستیاری در کنار فیلمسازانی چون مجید مجیدی و رضا میرکریمی یاد کرد و گفت: مواجهه با برخی آثار نمایشی در دوره جوانی، نگاهم را نسبت به ظرفیت هنر برای تأثیرگذاری بر انسان تغییر داده‌است.

■ **سینمای انسانی؛ احترام به انسان و فطرت او**

کارگردان «در آغوش درخت» در توضیح تعبیر سینمای انسانی اظهار کرد: هویت انسان ایرانی از دین، تاریخ، اقلیم، فرهنگ و مجموعه‌ای از مناسبات اجتماعی شکل گرفته و یکی از شاخصه‌های مهم این هویت، اخلاق است؛ اخلاقی که تنها به یک چارچوب خاص محدود نمی‌شود و با فطرت و شأن انسان پیوند دارد. وی افزود: سینمای انسانی از نگاه من، سینمایی است که به فطرت انسان احترام بگذارد. این به آن معنا نیست که فیلمساز نباید درباره پدر خطا کار، مادر خطا کار یا بحران یک خانواده فیلم بسازد؛ مسئله این است که میان نقد یک شخصیت و تحقیر یک جایگاه تفاوت وجود دارد.

خواجه‌پاشا با اشاره به «در آغوش درخت» ادامه داد: در این فیلم با مسئله جدایی یک زن و مرد روبه‌رو هستیم و می‌بینیم این جدایی چه تأثیری روی دو کودک می‌گذارد. برای ساختن درام لازم نیست حتماً به سراغ مجموعه‌ای از روابط و اتفاقات شوک‌آور برویم؛ خود همین موقعیت انسانی ظرفیت شکل‌گیری درام را دارد.

وی با تأکید بر اینکه هنر صرفاً بازنمایی بی‌واسطه واقعیت نیست، گفت: هنر باید بتواند واقعیت را پالایش کند و بر مخاطب اثر بگذارد. فیلمساز در مواجهه با یک آسیب اجتماعی می‌تواند آن را نشان دهد، اما نوع پرداخت و نسبت او با مسئله اهمیت دارد.

■ **جشنوارهزدگی، سینمای ایران را از مسیر خود دور کرد**

این فیلمساز یکی از چالش‌های سینمای ایران را جشنوارهزدگی

سخنران نخستین نشست عصر سینما با تأکید بر ضرورت بازتعریف هویت سینمای ایران گفت: سینمای ایران زمانی می‌تواند در داخل و عرصه بین‌المللی اثرگذار باشد که آرزوی سینمایی خود را بی‌شناسد، از دل فرهنگ و زیست جامعه‌قصه بگوید و در کنار پرداخت مسائل و آسیب‌ها، تصویر منصفانه‌ای از انسان، خانواده و جامعه ایرانی ارائه کند.

به‌گزارش آستان‌نیوز، نخستین نشست عصر سینما با حضور بابک خواجه‌پاشا، کارگردان سینما و جمعی از علاقه‌مندان و فعالان این حوزه در مشهد برگزار شد؛ نشست که با هدف شکل‌گیری فضایی مستمر برای گفت‌وگو درباره مباحث نظری، فنی و حرفه‌ای سینما و با حضور فیلمسازان، بازیگران و عوامل تخصصی این عرصه آغاز به کار کرده‌است.

مدیرعامل مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی در ابتدای این نشست، شکل‌گیری عصر سینما را بخشی از مسیر توسعه انجمن‌ها و پاتوق‌های هنری در مجموعه دانست و گفت: یکی از آرزوهای ما این بوده‌است که هنرمندان رشته‌های مختلف بتوانند در خانه‌حضرت رضاع) کنار یکدیگر جمع شوند، درباره هنر گفت‌وگو کنند و از دل این گفت‌وگوها اتفاق‌های تازه‌ای شکل بگیرد.

وی با اشاره به تجربه فعالیت انجمن ادبی رضوی، «عصر داستان» و «عصر طنز» افزود: امیدواریم در آینده مجموعه‌ای از این محافل در حوزه‌های مختلف هنری شکل بگیرد و هنرمندان بتوانند در محیطی حرفه‌ای، درباره زبان و ظرفیت‌های هنر خود گفت‌وگو کنند. مدیرعامل مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی، سینما را یکی از زبان‌های اثرگذار و جهانی عصر حاضر توصیف کرد و ادامه داد: مشهد همواره از استعدادهای برجسته هنری برخوردار بوده است و شکل‌گیری چنین پاتوقی می‌تواند فرصتی برای ارتباط بیشتر فعالان سینما، حضور استادان و هنرمندان و حرکت به‌سوی اتفاقاتی مانند باشگاه فیلم و تولید آثار سینمایی باشد.

■ **پاتوق سینمایی باید به گفت‌وگوی واقعی برسد**

بابک خواجه‌پاشا نیز در ادامه با تأکید بر ضرورت شکل‌گیری گفت‌وگوهای جدی و مسئله‌مند درباره سینما گفت: بسیاری از گردهمایی‌های این حوزه یا به گفت‌وگوهایی خارج از مسئله سینما می‌رسند یا به حرکت‌هایی شعاری محدود می‌شوند؛ در حالی که چنین جلساتی زمانی می‌تواند به سینما کمک کند که افراد با دغدغه واقعی کنار یکدیگر بنشینند، درباره آسیب‌ها گفت‌وگو کنند و برای داشتن سینمایی بهتر به‌راهنار برسند. وی با اشاره به ظرفیت‌های مشهد و خراسان در حوزه‌هایی مانند بازیگری، کارگردانی و ادبیات نمایشی افزود: اگر این جلسات صمیمی، مستمر و دغدغه‌مند باشند، می‌توانند دست‌کم در فضای سینمای مشهد تأثیرگذار باشند و بستری برای ارتباط و رشد نسل‌های مختلف فیلمسازان ایجاد کنند.

خواجه‌پاشا در بخش دیگری از نشست، با مرور مسیر فعالیت

رواق کتاب

نگاهی به بازخوانی نقش رهبر مجاهد شهید(ره) در حماسه هشت سال دفاع مقدس با گریزی به دل گنجینه آثار چاپی کتابخانه مرکزی حرم مطهر رضوی

از «امیر حماسه‌ها» چه می‌دانید؟

در مورد حمله عراق به خاک کشورمان سعی کرده بود مقامات ارشد نظام اسلامی را در بی‌خبری نگه دارد پس از حمله عراق سعی کرد راه را برای سلطه صدام بر خوزستان هموار کند. رهبر حکیم و مجاهد شهید انقلاب اسلامی(ره) در تعبیری بسیار جالب و دقیق در این باره می‌فرماید:

«... یعنی اگر چهار لشکر ما آن روز فعال بود، قاعدتاً ۱۲ لشکر عراق قادر به پیروزی نبود، چرا؟ [چون] که ما در خاک خودمان و از خانه خودمان دفاع می‌کردیم، پس باید پیذیرید که ما آن روز [دوران سقوط خرمشهر در جنگ تحمیلی هشت ساله] چهار لشکر فعال نداشتیم و این به خاطر ضعف تدبیر بنی‌صدر بود که سرکار آمد و فرماندهی را گرفت و علی‌رغم آن همه تذکرو هشداری که در مورد بازسازی واحدهای نظامی به او داده می‌شد، در یک خواب‌گرگوشی عجیبی فرو رفته بود و به این مطلب اهمیت نمی‌داد...».

(همان، ص ۱۶ و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه‌ها: مجموعه مصاحبه‌های حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در دوران ریاست جمهوری (۱۳۶۴-۱۳۶۳)، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شهر یور ۱۳۸۶، صفحه ۶).

تاستاد و از ستاد تا اتاق مخصوص جنگ عبور کردیم...».

(همان، ص ۴۳ و مصاحبه‌ها، سال ۱۳۶۵، ص ۱۱۳)

■ **پوشیدن لباس رزم به تعبیر آقای شهید ایران(ره)**

هرچند که لباس رسمی رهبر شهید انقلاب(ره) به عنوان یک شخص روحانی و حوزوی همان عبا، قبا و عمامه بوده‌است اما ایشان در دوران هشت سال دفاع مقدس و حتی در دورانی که به عنوان نماینده حضرت امام خمینی(ره) در عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری جنگ یعنی شورای عالی دفاع حضور داشتند، همیشه و با اشتیاق وافر با لباس ساده نظامی در قرارگاه و خطوط نبرد و سنگرهای رزمندگان حاضر می‌شدند و این عملی بود که حضرت امام خمینی(ره) آن را تحسین کرد و آقای شهید ایران(ره) در این باره می‌فرماید: «... سال ۵۹ که گاهی به مناطق جنگی می‌رفتم... هر دفعه، هفته‌ای یک بار برای نماز جمعه به تهران می‌آمدم و از راه که می‌رسیدم، خدمت امام می‌رفتم. یک بار که خدمت ایشان رفته بودم... لباس کار سربازی تنم بود. وقتی سوار هواپیما می‌شدم که به اینجا بیایم، قبا می‌پوشیدم و عمامه سرم می‌گذاشتم و این لباس آن زیر می‌ماند. ایشان [حضرت امام خمینی(ره)] چشمشان به لباس زیر قبا ی من و پوتینی که از پا درآورده و وارد اتاق شدم افتاد. تبسمی کرده و این جمله را فرمودند که یک روزی این لباس از نظر ما خلاف مروت بود ولی امروز دلیل مروت است...».

(همان، ص ۱۲۵ و حوزه و روحانیت، ج ۱، ص ۹۰ و پیام انقلاب، ش ۱۸۰، ص ۱۶)

■ **خواب‌گرگوشی بنی‌صدر، به تعبیر رهبر شهید انقلاب(ره)**

وقتی که جنگ عراق علیه کشورمان آغاز شد، ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس جمهور وقت ایران، به هیچ وجه این تجاوز را جدی نگرفت. بنی‌صدر که با بی‌توجهی نسبت به هشدارها

آن هم دوباره با حکم دیگری از امام(ره) همراه با شهید چمران در شورای عالی دفاع بودند که بارها در کنار هم در جبهه‌ها حضور داشتند (منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی امام شهید سیدعلی خامنه‌ای(ره) به تاریخ ۱۳/۱۲/۱۳۸۹).

رهبر مجاهد و شهید انقلاب اسلامی(ره) درباره نخستین حضور خود در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل در دوران هشت سال دفاع مقدس، این‌گونه می‌فرماید: «... در اوایل جنگ چون احساس کردم که نیروهای نظامی‌ما بسیار کم و وضعیت هستند، برای اینکه بتوانیم همان‌هایی را که هستند روحیه بدهییم و افراد دیگری از مردم را دعوت کنیم که به آن‌ها کمک کنند، من از امام اجازه گرفتم و به جبهه رفتم. حدود یک هفته‌ای از جنگ می‌گذشت که من به اهواز رفتم، چون دشمن نزدیک اهواز بود، من سال ۵۹ را تا آخر و یکی دو ماه از سال ۶۰ را در جبهه بودم. در منطقه اهواز و در فوول و حول و حوش میدان جنگ و مختصری هم در غرب بودم...».

(همان، ص ۴۱ و مصاحبه‌ها، ج ۲، ص ۱۱۱)

■ **روایت امام مجاهد شهید(ره) از نخستین لحظات حضور در منطقه جنگی جنوب**

پس از اجازه حضرت امام خمینی(ره)، رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران به حضرت آیت‌الله العظمی شهید سیدعلی خامنه‌ای(ره) برای حضور در مناطق جنگی دوران دفاع مقدس، رهبر شهید انقلاب(ره) به همراه شهید دکتر مصطفی چمران(ره) با فاصله عازم اهواز شدند. ایشان خود درباره نخستین لحظات حضور در منطقه جنگی جنوب اینچنین اظهار می‌کنند:

«... وقتی که به فرودگاه اهواز رسیدیم، همه جای شهر و حتی فرودگاه هم تاریک بود. ما در تاریکی مطلق به سمت پادگان لشکر ۹۲ راه افتادیم. آن روزها اهواز زیر خمپاره دشمن بود. یعنی با خمپاره ۱۲۰ اهواز می‌زدند. فرودگاه اهواز و همه جای شهر از جمله ستاد لشکر که ما عازم آنجا بودیم زیر آتش دشمن بود. آنجا که رفتیم باز تاریکی بود و من هیچ جا را نمی‌توانستم ببینم، قبلاً هم ندیده بودم و نمی‌شناختم، مرحوم چمران هم مثل من بود، برای اولین بار در آن شب، ما دوربین‌های دید شب را آزمایش کردیم. یک دوربین دید شب آوردند، من دیدم همه جا مثل روز روشن و به صورت عکس رنگی خیلی قشنگی دیده می‌شود. بالاخره در لابه‌لای تاریکی‌ها و آدم‌های ناشناس و پُست‌های فراوان بازرسی، از فرودگاه

محمد حسین مروج کاشانی» به مناسبت هفته دفاع مقدس، با گذری به گنجینه آثار مکتوب و چاپی کتابخانه مرکزی حرم مطهر امام رضاع) به دنبال اثری چاپی مرتبط با این موضوع بودیم. به همین دلیل و در راستای کتاب‌شناسی آثار رهبر شهید انقلاب اسلامی(ره) موجود در کتابخانه مرکزی حرم مطهر رضوی، به‌سراغ اثری چاپی با عنوان «امیر حماسه‌ها» مربوط به بازخوانی نقش امام مجاهد شهید حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای(ره) در حماسه دفاع مقدس رفتیم. این اثر نوشته علی مولوی نیا (شیخ‌بخت) است و چاپ نخست آن در سال ۱۳۹۰ شمسی و توسط انتشارات یاقوت منتشر شد و در آبان ماه همان سال با شماره ثبت ۶۵۴۰۳۳ برای استفاده عموم زائران، مجاوران، علاقه‌مندان و مخاطبان در مخزن کتاب‌های چاپی این کتابخانه قرار گرفت. برای آشنایی بیشتر با برخی از مباحث و مطالب این کتاب، در ادامه این گزارش با ما همراه باشید.

■ **وضعیت آغاز جنگ عراق علیه ایران به روایت امام مجاهد شهید(ره)**

آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران در روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با تجاوز گسترده نظامی در طول هزار و ۲۸۰ کیلومتر مرز مشترک از شمالی‌ترین نقطه مرز مشترک با ایران تا بندر خرمشهر و آبادان در جنوب ایران همراه بود. شهرها و روستاهای موجود در مناطق اشغالی به سرعت تخریب و به تلی از خاک تبدیل و صدها هزار تن از هموطنانمان از خانه و کاشانه خود آواره شدند. رهبر مجاهد شهید(ره) در بیان وضع کلی جبهه‌ها در ابتدای جنگ می‌فرماید:

«... آن وقت‌ها وضع جبهه بسیار بد بود. ما نه نیروی انسانی و نه تجهیزات داشتیم و دشمن هم ۷۰-۶۰۰ کیلومتر داخل خاک آمده بود. دشمن تا اهواز حدود ۱۸-۱۷ کیلومتر بیشتر فاصله نداشت. از این جهت روحیه نظامی‌ها و کلاً مردم هم یک روحیه گرفته‌ای بود، نمی‌گویم روحیه باخته، اما به هر حال گرفته و غمگین بود...».

(منابع: کتاب امیر حماسه‌ها، ص ۱۳ و حماسه مقاومت، ج ۱، ص ۱۸)

■ **نخستین حضور رهبر شهید(ره) در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل**

آقا[رهبر مجاهد شهید(ره)] در همان اوائل جنگ با حکم امام(ره) در جبهه‌ها بودند. در آن زمان مسئولیت دفتر مشاور نظامی امام(ره) در ارتش به‌عهده ایشان بود. پس از

سینمای مقاومت؛ نبرد بر سر «حق تعریف» و آزادسازی تخیل

یادداشت
محمدجواد استادی

سینمای مقاومت

سینمای مقاومت را نمی‌توان صرفاً بر اساس موضوع، ژانر یا نسبت ظاهری آن با مسئله مقاومت تعریف کرد؛ معیار اساسی آن است که یک اثر تا چه اندازه توانسته انحصار حق تعریف را مختل کند، امکان طرح پرسش مستقل را بدست آورد و عاملیت روایی سوژه تحت سلطه را افزایش دهد؛ مسیری که می‌توان آن را در هفت سطح از استقلال روایی بررسی کرد. استقلال روایی، پیش از هر چیز، با استقلال مسئله‌شناختی آغاز می‌شود؛ یعنی اثر بتواند پرسش خود را تولید کند و مسئله را نه بر اساس صورت‌بندی تحمیل‌شده از بیرون، بلکه از منظر تجربه و موقعیت خود تعریف کند. تا زمانی که پرسش اصلی روایت از سوی دیگری تعیین شود، حتی پاسخ متفاوت نیز لزوماً به معنای استقلال روایت نیست.

سطح دوم، استقلال زمانی است. هر روایت با انتخاب یک نقطه آغاز، بخشی از تاریخ را برجسته و بخشی دیگر را به حاشیه می‌راند. از این رو، تعیین اینکه روایت از کجا آغاز می‌شود و چه عوامل تاریخی در شکل‌گیری وضعیت کنونی مؤثر بوده‌اند، بخشی اساسی از استقلال روایی است. انتخاب نقطه آغاز، صرفاً یک تصمیم فنی نیست، بلکه می‌تواند معنای یک واقعه را تغییر دهد. استقلال بصری سطح سوم این الگوست؛ به این معنا که روشن باشد صاحب نقطه دید چه کسی است. دوربین تنها ابزار ثبت تصویر نیست، بلکه جایگاه نگاه را تعیین می‌کند. اینکه مخاطب جهان روایت را از چشم چه کسی می‌بیند، چه چیزی دیده می‌شود و چه چیزی بیرون از قاب باقی می‌ماند، مستقیماً با مسئله قدرت در روایت ارتباط دارد.

در سطح چهارم، با استقلال عاملیت مواجهیم. سوژه تحت سلطه نباید صرفاً در جایگاه قربانی باقی بماند. اگر روایت انسان تحت ستم را فقط به موضوع رنج و ترحم تبدیل کند، هنوز بخشی از منطق سلطه را بازتولید کرده‌است. استقلال روایی زمانی شکل می‌گیرد که این سوژه، واجد اراده، انتخاب، تصمیم و قدرت کنش باشد و بتواند در ساختن سرنوشت و روایت خود نقش ایفا کند.

سطح پنجم، استقلال عاطفی است؛ یعنی نحوه توزیع کرامت، همدلی و سوگواری انسانی در اثر. روایت‌ها تنها با اطلاعات و تصاویر کار نمی‌کنند، بلکه تعیین می‌کنند مخاطب برای چه کسی آندوگین شود، با چه کسی همدلی کند و رنج چه کسی را واجد اهمیت بداند. از این منظر، استقلال روایی مستلزم آن است که کرامت انسانی و حق سوگواری، تابع سلسله‌مراتب تحمیل‌شده نباشد.

استقلال زیبایی‌شناختی سطح ششم است. سینمای مقاومت زمانی به استقلال نزدیک می‌شود که در فرم، زبان و شیوه بیان نیز صرفاً مصرف‌کننده الگوهای مسلط نباشد. استقلال در روایت تنها در مضمون اتفاق نمی‌افتد؛ فرم و زیبایی‌شناسی اثر نیز می‌تواند حامل نوعی نگاه مستقل به جهان باشند. آخرین سطح، استقلال آرشویی و الگوریتمی است. در جهان امروز، مسئله روایت تنها به تولید یک فیلم محدود نیست. اینکه چه تصویری ثبت و حفظ می‌شوند، چه اسنادی امکان دیده شدن پیدا می‌کنند و الگوریتم‌های رسانه‌ای کدام روایت‌ها را برجسته یا پنهان می‌کنند، بخشی از میدان جدید قدرت روایی است؛ بنابراین استقلال روایی، به امکان حفظ حافظه و دسترسی مستقل به سازوکارهای توزیع روایت نیز وابسته‌است.

بر این اساس، سینمای مقاومت را نباید صرفاً از روی موضوع آن شناخت. پرسش اصلی این است که آیا اثر توانسته‌است انحصار حق تعریف را مختل کند و عاملیت روایی سوژه تحت سلطه را افزایش دهد یا خیر. اگر استعمار عمیق را نوعی اشغال تخیل بدانیم، مقاومت عمیق نیز باید در پی آزادسازی تخیل باشد. در چنین نگاهی، استقلال روایی تنها یک مسئله سینمایی نیست؛ بلکه یکی از صورت‌های فرهنگی پروژه استقلال و نفی سلطه است.

خبر

اجرای طرح صیانت از حریم فرهنگی در زائرسرای رضوی



مدیرعامل مؤسسه موقوفه خدمات زائر رضوی، از اجرای طرح حریم فرهنگی مجموعه‌های اقامتی، با فعالیت تخصصی گروه خادمان خواهر در حوزه «امر به معروف و نهی از منکر» در زائرسرای رضوی خبر داد. به گزارش آستان‌نیوز؛ مدیرعامل مؤسسه موقوفه خدمات زائر رضوی با اشاره به این اقدام عنوان کرد: این طرح در راستای حفظ قداست مجموعه‌های مرتبط با حریم رضوی و ارائه خدمات فرهنگی متناسب با شأن زائران امام‌زئوف(ع) انجام می‌شود.

سیدهاشم حسینی بیان کرد: تلاش ما این است که زائران سرتا پایک اقامتگاه رفاهی نباشند، بلکه فضایی باشد که زائر لحظه‌ورود تا خروج، آرامش و معنویت حریم ملکوتی امام هشتم(ع) را در آن احساس کند. وی افزود: حفظ و صیانت از فرهنگ عفاف و حجاب به‌عنوان یکی از شاخصه‌های مهم فضای دینی، در اولویت برنامه‌های ما قرار دارد.

■ **رویکردی ایجابی و مبتنی بر کرامت زائر**

مدیرعامل مؤسسه موقوفه خدمات زائر رضوی، در تشریح جزئیات این طرح، افزود: خادمان خواهر که در این حوزه آموزش‌های لازم را دیده‌اند، به‌صورت روزانه در بخش‌های مختلف زائر سرا حضور یافته و ضمن برقراری تعاملی سازنده و محترمانه با زائران، توصیه‌های لازم درباره رعایت شئونات اسلامی و پوشش متناسب با این محیط را ارائه می‌دهند. وی در پایان خاطرنشان کرد: مؤسسه موقوفه خدمات زائر رضوی همواره تلاش می‌کند در کنار توسعه امکانات رفاهی و اقامتی، بستری متناسب با شأن زائران بارگاه منور رضوی را نیز فراهم آورد.